

ایران جزو چهار کشور انتهایی جدول است و بالاتر از کشورهای چاد، سوریه، پاکستان و یمن و پایین تر از عربستان سعودی، مالایا و لبنان قرار دارد.

در گزارش مجمع جهانی اقتصاد اعلام شد؛



یک رتبه تنزل در جدول شکاف‌های جنسیتی برای ایران. این تازه‌ترین خبر درباره وضع ایران درباره شکاف جنسیتی در سال ۲۰۱۷ است که به تازگی مجمع جهانی اقتصاد آن را منتشر کرده است؛ گزارشی که نشان می‌دهد از مجموع ۱۴۴ کشور جهان، ایران رتبه ۱۴۰ را کسب کرده است و این در مقایسه با سال ۲۰۱۶ که رتبه ایران در این جدول، ۱۳۹ بود، یعنی یک رتبه تنزل.

به گزارش اسپادانا خبر، شهروند نوشته: خبر را دیروز لیلا فلاحتی، مدیرکل بین‌الملل معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری اعلام کرد؛ با جزئیات کامل و آنچه به صورت آماری درباره ایران در این گزارش آمده است.

او گفت که براساس این گزارش، ایران جزو چهار کشور انتهایی جدول است و ما بالاتر از کشورهای چاد، سوریه، پاکستان و یمن قرار داریم؛ «این در حالی است که رتبه عربستان سعودی، مالایا و لبنان در شاخص یاد شده بالاتر از ایران است.»

به گفته فلاحتی، مجمع جهانی اقتصاد رتبه کشورها را در شاخص اقتصاد، آموزش، سلامت و مشارکت سیاسی بررسی کرده و براساس این گزارش، رتبه ایران در شاخص اقتصاد برابر با ۱۴۰ بوده است؛ «همچنین رتبه ایران نسبت به مجموع کشورهای دنیا (۱۴۴ کشور) در زمینه آموزش را ۱۰۰، سلامت ۱۳۵ و مشارکت سیاسی زنان را ۱۳۶ اعلام کرد.»

آنطور که مدیرکل بین‌الملل معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری گفته، در مقایسه با سال گذشته رتبه ایران یک درجه کاهش یافته است؛ «در سال ۲۰۱۶ میلادی رتبه ایران بین سایر کشورها ۱۳۹ بود. رتبه کشور ما در سال گذشته در شاخص اقتصاد ۱۴۰، آموزش ۹۶، سلامت ۹۸ و مشارکت سیاسی ۱۳۶ بوده است. مقایسه رتبه ایران در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی نشان می‌دهد که در ۲ شاخص آموزش و سلامت با کاهش رتبه شدید مواجه بودیم. در سال ۲۰۱۷ در حوزه آموزش ۶ رتبه و در شاخص سلامت ۳۷ رتبه کاهش داشته‌ایم.»

به گزارش «ایسنا» و به گفته او این درحالی است که ایران در شاخص اقتصاد و مشارکت سیاسی تغییری نداشته است؛ «بعضی کشورها با تحولات جدی در شاخص‌ها موفق به کسب امتیاز بالاتر و در نتیجه کسب رتبه بالاتر شده‌اند و این درحالی است که امتیاز ما ثابت مانده و دیگر کشورها از ما عبور کرده‌اند. به عبارت دیگر با وجود اجرای طرح‌های مذکور مقدار شاخص ایران در بعد آموزش و سلامت تغییری نکرده اما تحولات سایر کشورها در این ابعاد جدی‌تر و چشمگیرتر بوده که باعث شده از ما پیشی گرفته و عبور کنند.»

فلاحتی دلیل دیگر در این موضوع را وجود نداشتن نظام جامع آماری و محاسبه دقیق شاخص‌های سلامت، آموزش، اقتصاد و مشارکت سیاسی دانست؛ «محاسبه چنین شاخص‌هایی نیازمند وجود منابع آماری دقیق و استاندارد هستند این در حالیست که در کشور نظام جامع آماری حساس به موضوع جنسیت نداریم و علاوه بر این در بسیاری از برنامه‌های ملی گزارش‌های حساس به جنسیت نداریم و در عمل نشان نمی‌دهیم در حوزه زنان طرح‌های ملی چه تحولاتی را حاصل آورده است. در مجموع ضعف در نظام مستندسازی و ارایه شاخص‌های آماری استاندارد باعث می‌شود تا اقدامات صورت گرفته چندان دیده نشده و به نظر برسد که در حال درجا زدن هستیم.» او درباره شاخص‌های اقتصاد و مشارکت سیاسی هم گفت: «تحولات خاصی در بعد اقتصادی نداشته‌ایم اما در بحث مشارکت سیاسی تنها در تعداد نمایندگان پارلمان تغییراتی داشته‌ایم که باز هم چندان محسوس نبوده و حدود ۶ درصد از سهم پارلمان ایران در اختیار زنان است و در نتیجه تغییری در رتبه ایران ایجاد نکرده است. این شاخص به شدت به حضور زنان در مناصب وزارتی و ریاست دولت‌ها حساس بوده و این دو عامل وزن بیشتری در تعیین شاخص مشارکت سیاسی دارند.»

به گفته مدیرکل بین‌الملل معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، رتبه عربستان در سال ۲۰۱۶ بعد از ایران قرار داشت اما امسال با ۲ رتبه افزایش بالاتر از ایران قرار گرفته است؛ «تغییراتی که اخیراً در عربستان در خصوص زنان رخ داد بیشتر مرتبط با وضع اجتماعی زنان بود و این امر در شاخص هنجارهای جنسیتی و قوانین SIGI می‌گنجد و اثری در شاخص شکاف جنسیتی ندارد.»

او گفت: «بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد بیشترین شکاف جنسیتی در سراسر جهان در دو حوزه اقتصاد و سلامت است؛ بطوری که با روند فعلی در نابرابری جنسیتی در اقتصاد، ۲۱۷ سال طول می‌کشد تا در این حوزه برابری حاصل شود. در حوزه سلامت وضع نابرابری‌ها در سطح جهان از سال ۲۰۰۶ بدتر شده و در مجموع چهار بعد فقط وضع شاخص آموزش در سراسر جهان امیدوارانه است و پیش‌بینی می‌شود تا ۱۳ سال آینده نابرابری در حوزه آموزش در سطح جهانی رفع شود. در حوزه سیاست نیز با روند فعلی در سطح جهان ۹۹ سال طول می‌کشد تا نابرابری‌ها رفع شود.»

شاخص جهانی جنسی یک شاخص مقایسه‌ای میان دو جنس است که برای نخستین بار در سال ۲۰۰۶ توسط انجمن جهانی اقتصاد معرفی شده است. این شاخص تفاوت‌های میان دو جنس را در چهار بعد سیاسی، اقتصادی، آموزش و بهداشت بررسی می‌کند. اهمیت این شاخص در کنار دقت عمل بالا و اعتباری که در میان شاخص‌های جهانی دارد، به دلیل کیفیت اندازه‌گیری آن است، یعنی اندازه گرفتن فاصله میان زنان و مردان در ابعاد یاد شده است. این شاخص جهانی که در گزارش‌های نهایی درباره وضع شکاف جنسیتی در کشورها می‌آید، از چهار ستون اصلی تشکیل شده است: «۱. مشارکت و فرصت‌های اقتصادی: مولفه‌هایی مانند مشارکت زنان و مردان در نیروی کار، میزان درآمدهای متوسط هر یک، درصد هریک در مشاغل رده‌بالا و رده‌پایین و ... ۲. دستاوردهای آموزشی: بررسی سواد و موقعیت آموزشی زنان در سطوح اولیه، ثانویه و سطح دانشگاهی و ... ۳. بهداشت و بقا: بررسی وضع بهداشت زنان و مردان، طول عمر و بیماری‌ها و ... ۴. توانمندسازی سیاسی: تعداد زنان موجود در جایگاه‌های سیاسی رده بالا و زمان واقعی قرار گرفتن آنها در این پست‌ها و ...»

از چهارسال پیش دولت یازدهم بر سر کار آمد، گزارش‌های شکاف جنسیتی و رتبه ایران در آن، جدی‌تر گرفته شد؛ موضوعی که شهیندخت مولوردی، معاون سابق امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری بارها درباره آن صحبت کرد و از تلاش‌هایی گفت که در این معاونت برای بهبود رتبه ایران انجام می‌شود.

مولوردی سال گذشته که رتبه ایران از میان ۱۴۴ کشور، ۱۳۹ بود، درباره شکاف جنسیتی در ایران گفته بود: «در کشور ما مردان بیشتر به موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی و زنان اغلب به شرایط و موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی دسترسی دارند. برای تغییر و دقیق‌تر شدن اطلاعات آماری و مشخص شدن نقش زنان در این بخش‌ها باید تفکیک جنسیتی در آمار و اطلاعات دریافتی از جمله سرشماری شکل گیرد تا دسترسی به این آمار در حوزه‌های مختلف به‌طور مشخص فراهم شود. تا زمانی که نظام آماری ما منطبق با استانداردهای جهانی نشود به‌طور قطع رتبه ما پایین‌تر است و بعید به نظر می‌رسد این جایگاه تغییر محسوسی داشته باشد.»

او حالا و درحالی‌که دیگر در معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری نیست و دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در امور حقوق شهروندی است، در گفت‌وگو با «شهروند» از رتبه جدید ایران در جدول شکاف‌های جنسیتی می‌گوید. مولوردی می‌گوید که شاخص شکاف جنسیتی، زیرشاخص‌ها و مولفه‌های خاص خودش را دارد و صرفاً هم وضع کشورها براساس این شاخص‌ها سنجیده می‌شود: «شاخص‌های بهداشت، آموزش، توانمندی اقتصادی و سیاسی. ما در چهارسال گذشته سعی داشتیم که در جهت رفع کردن خلأها گام برداریم. براساس یافته‌هایی که داشتیم و در این چهارسال به آنها رسیدیم، برنامه‌هایی هم داشتیم و امیدوارم ادامه پیدا کند. بخشی از این برنامه‌ها به نظام جامع آماری و وجود نداشتن ارایه جامع استاندارد و به تفکیک جنس و به روز برمیگردد. درحالی‌که ایجاد نظام جامع آماری را در دستور کار قرار دهیم، مطمئناً در رفع کردن خلأها وضع بهتری خواهیم داشت.»

او ادامه می‌دهد: «شاخص شکاف جنسیتی طوری نیست که با اقدامات چهارساله و پنج ساله تغییر پیدا کند. این موضوع پیچیده است، ما برای این موضوع پروژه مهمی را با همکاری مرکز آمار داشتیم و قرار شد فاز دومش را اجرا کنیم. البته می‌دانم که حالا هم ادامه پیدا می‌کند. رساندن شاخص‌ها به به شاخص‌های استاندارد و جهانی زمان می‌برد و ادامه اطلاعاتی است که می‌تواند کمک کند به آن هدفی که مدنظرمان است برسیم. ما قضیه را به این مرحله رسانده‌ایم و در برنامه ششم توسعه هم به‌طورکلی در نظام جامع آماری بندی را گنجانده‌اند و مبتنی بر آن چهارچوب قانون برنامه ششم توسعه شکل گرفته است. از طرف دیگر سند کف حمایت اجتماعی برای توانمندسازی زنان در نظر داشتیم که پیش نویسش را آماده کردیم و بخش مهمش همین بحث آمار است. برای این‌که حداقل حمایت اجتماعی از زنان داشته باشیم باید الزاماتی داشته باشیم که یکی از آنها آمار است.»

مولوردی در ادامه می‌گوید بخشی از شکاف جنسیتی موجود در ایران، ساختاری است و یک شبه هم حاصل نشده که زود شاهد رفع آن باشیم: «توانمندسازی اقتصادی زنان، نرخ اشتغال، تفاوت درآمد زن و مرد و ... موضوعات قابل توجه در این شاخص است. در توانمندسازی سیاسی، حضور زنان به‌عنوان رئیس دولت و وزیر می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد. ما هرچند در ۲۰۱۶ هم موضوع ورود بیشتر زنان به مجلس را داشتیم، تعداد زنان در مجلس به ۶ درصد رسیده اما به‌نظر می‌رسد این موضوع در ارتقای رتبه ایران تاثیرگذار نبوده است. البته در سال گذشته سه معاون رئیس‌جمهوری هم داشتیم و شاخص حضور در دولت، ۹ درصد بود اما الان یک نفر از آنها به دستیار تبدیل شده و احتمالاً این هم تأثیر دارد.»

او شائبه سیاسی بودن گزارش مجمع جهانی اقتصاد درباره شکاف جنسیتی را رد می‌کند: «این گزارش سیاسی نیست و براساس چهارشاخص است. در این شاخص به هیچ‌وجه وضع فرهنگی و اجتماعی مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد. آنچه مهم است شاخص توسعه انسانی و مبتنی بر جنسیت است و آن هم گزارش‌های منتشر می‌شود و آن‌جا این موارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در همین چهار زیرشاخص شاهدیم کشورها وضعیتشان با هم سنجیده می‌شود. بنابراین اگر مسائل فرهنگی را بخواهیم بررسی کنیم، باید گزارش‌های شاخص توسعه انسانی را بررسی کنیم.»

«گزارش سیاسی است»

نیره توکلی، جامعه‌شناس اما در گفتگو با «شهروند» این گزارش جهانی را قبول ندارد و می‌گوید گزارش‌های بین‌المللی درباره وضعیت زنان در کشورها، عموماً سیاسی‌اند: «من به هیچ وجه به این آمارها اعتقاد ندارم. ما در مقام کسانی که در این جامعه زندگی می‌کنیم و داریم جوامعی را می‌بینیم مثل افغانستان پاکستان، عراق، عربستان یا حتی ترکیه که هیچ کدامشان شرط اصلی جامعه مدنی را که یک طبقه متوسط و مترقی است ندارند. در حالی که ما در جامعه ایران این را داریم ولی این کشورها ندارند. هیچ کدام از این کشورها در ۲۰۰ سال گذشته با چنین تساهلی در بین مردم از لحاظ پذیرش دیدگاه‌های مختلف مانند مذاهب مختلف و ... روبرو نبوده‌اند. یعنی در تمام این کشورها، پایین‌ترین حد تحمل اقوام و مذاهب دیگر را می‌بینیم. در پاکستان، عراق و ... در بسیاری از کشورهایی که تعیین‌کننده این شاخص‌ها هستند، مدام مواجهیم با کشت و کشتار مذهبی، فرقه‌ای. مثلاً قتل فرخنده در مقابل ۵ هزار نفر در عرض دو ساعت اتفاق افتاد در حالی که چنین چیزی در ایران امکان ندارد. کمپین فرخنده هم بعدش وقتی راه افتاد که ثابت شد واقعا قرآن را آتش زده بوده. اما در ایران قتل ستایش را می‌بینیم که یک جوان انجام می‌دهد و نفر دوم که دوست نزدیک اوست فوری گزارش می‌کند و این تبدیل می‌شود به یک موج.»

او ادامه می‌دهد: «ما جامعه‌ای هستیم که از لحاظ شرط جامعه مدنی که طبقه متوسط متساهل است، پیشرفت کرده‌ایم. طبقه متوسط ایران در تمام سطوح فعال بوده‌اند و حقشان را خواسته‌اند، زنان در عرصه‌های ورزشی و ... هر جا امکان فعلیتی بوده اقدام کرده‌اند و محدودیت‌ها را تبدیل به فرصت کرده‌اند. بنابراین به هیچ وجه این آمارها را قبول ندارم. ما مشارکت سیاسی داریم ولی پذیرش مشارکت نداریم. مثلاً در افغانستان سهمیه می‌گذارند ولی در ایران از پایین از سطوح پایین، جلوی تفاوت‌ها را می‌گیرند. اینکه زنان ما به مجلس می‌روند، واقعی است، با کمترین حمایت و قوانین مثبتی که از نشان دفاع نمی‌کند، راه پیدا می‌کنند. به نظر من در ایران اگر ۴ زن به مجلس بروند با آرای واقعی راه پیدا کرده‌اند ولی اگر ۴ زن در مجلس افغانستان راه پیدا کنند، با سهمیه و حمایت‌های دولتی راه پیدا می‌کنند. به هر حال شکاف جنسیتی در ایران وجود دارد ولی موضوع مثبت این است که در عمق جامعه خبرهای خوبی هست و حتماً آن بالا را درست خواهد کرد و این خیلی امیدوارکننده‌تر است تا اینکه کسی از بالا دستور بدهد و تازه زن‌ها بتوانند رانندگی کنند.»

این جامعه‌شناس معتقد است: «موضوع مهمی که می‌خواهم بگویم، این است که ما ایرانی‌ها عادت کرده‌ایم بزیم توی سر خودمان. تعریف از مردم به معنی این نیست که همه چیز گل و بلبل است، مهم، فرهنگی است که وجود دارد. در جامعه ایران، کل زنان طبقه متوسط، تمام مدت می‌خواهند محدودیت‌ها را تبدیل به فرصت کنند.»

برچسب‌ها: [حقوق زنان](#) [1]

[حقوق بشر](#) [2]